یادداشت

«سرزمین شعر» شب شعری برای همه

علیرضا حیدری
روزنامه نگار ومدرس ویراستاری

ایران سرزمین شعر است، گواه روشن این ادعا تاریخ ادبیات ماست و بی شمار شاعرانی که قرن هاست نام و آوازه آن ها نه تنها در این بوم و برکه در جهان طنین انداز شده است. شاعرانی که آثار آنان بارها به زبان های مختلف ترجمه شده و چه بسیار شاعران و اندیشمندانی که شیفته هریک از آن ها شده اند. در گذر زمان این زنجیره شعر و شاعری نه تنها گسسته نشد که بر شمار آن هم افزوده شد.

در کنار این شاعران مشهورتر، فراوان شاعرانی داریم که در خلوت خود می سرایند و کمتر نامشان را می شنویم و یا دست کم نام آن ها فقط برای دوستان و رفقا و همشهریان او شناخته شده است. گاه این شاعران در یکی دو دفتر شعر خود پنهان می شوند و گاه در چند جلسه و انجمن شعری پیدایشان می شود. البته که جلسات شعر و شب شعرها هم فرصت مغتنمی است برای شاعر که شعرش را عرضه دارد و هم برای مردم که شعر را بشنوند و از حال و روز شعر روزگار خود خبردار شوند.

امسال در نوروز ۱۴۰۳ اتفاق جالبی در صدا و سیما افتاد و آن هم ساخت برنامه «سرزمین شعر» بود. «سرزمین شعر» از نگاه من یک «شب شعر»ی بود در گستره کشور. شب شعری که مخاطبان آن فقط شاعران نبودند و دوستداران شعر، بلکه همه مردمی بودند که در سرزمین شعر زندگی می کنند. مردمی که به شعر علاقه دارند و دوست دارند شعر خوب بشنوند. مردمی که اگر طبع شعری دارند، خودشان را با این اشعار و به ویژه نقدهایی که پس از آن می شد، محک بزنند و خود داور شعر خود باشند.

«سرزمین شعر» از این زاویه یک کارگاه آموزشی فراگیر بود که به ویژه برای جوانان علاقه مند به شعر راهنمایی در دسترس و رایگان بود. بی گمان شاعران شرکت کننده در این مسابقه، کوشش کرده بودند که بهترین شعر خود را بخوانند تا هم در نگاه داوران خوش نشیند و هم مخاطبان شعرشناس بپسندند و البته در داوری عموم هم شعری مورد پسند و مردمی باشد. این ملاحظات در گزینش شعر خوب، راه را برای شناخت مردم از شعر خوب باز می کند.

بنده که بیش از دو دهه مدیریت گروه ادبی روزنامه خراسان را برعهده داشتم، به روشنی دریافته بودم که در نگاه عموم «شعر معیار» چندان شناخته شده نیست و به راحتی و به سادگی و به صرف آهنگین و احساسی بودن یک متن، به آن برچسب شعر می زدند و این یکی از چالش های همیشه من با مخاطبان بود تا آن ها را قانع کنم که شعر بایدها و نبایدهای فنی هم دارد. برنامه هایی مانند «سرزمین شعر» تا حدودی این خلأ را پر می کند و شناخت شعر معیار را که برپایه اصول و قواعد بایسته است، آموزش می دهد.

بنابراین، این برنامه که البته مهم ترین ایراد آن یکدستی داوران به لحاظ طیف فکری و ادبی بود و به همین نسبت نبود تنوع در گزینش شاعران از هر سلیقه و پسند ادبی، اما توانست شب شعری باشد برای همه مردم که حق دارند شعر روزگار خود را بشنوند و این خواندن ها و شنیدن ها فقط به جمعی محدود در جلسات شعر خلاصه نشود.

شعر فارسی و به ویژه شعر روزگار ما با همه تنوع و سلایق فکری و ادبی باید شنیده شود و ساخت چنین برنامه هایی در رسانه ملی می تواند بستر این اتفاق باشد.

صاحب‌خبر

بیست ونهمین جشنواره شعر رضوی با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد

مراسم اختتامیه بیست ونهمین جشنواره بین المللی شعر رضوی شامگاه ۲۱ اردیبهشت با معرفی برگزیدگان در تالار فرهنگ و هنر کرمان برگزار شد.

محسن روحی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، در این مراسم گفت: در دو سال اخیر تلاش کردیم اجراها با رویکرد جدید برگزار و جشنواره شعر رضوی از رویداد فرهنگی ادبی به جریان گسترده فرهنگی معنوی در استان کرمان و کشور تبدیل شود.

او با اشاره به دریافت بیش از ۲۰۰۰ اثر در دبیرخانه جشنواره افزود: در سال جاری رشد ۱۰۰ درصدی آثار ارسالی به جشنواره را نسبت به سال گذشته داشتیم و برنامه های متنوعی در استان و کشور برگزار شد و مورد پذیرش اصحاب شعر و ادب قرار گرفته است.

مدیرکل فرهنگ وارشاد اسلامی استان کرمان اظهار کرد: جشنواره شعر رضوی یکی از قدیمی ترین و با اصالت ترین جشنواره های ادبی و فرهنگی است که توفیق عرض ارادت به ساحت امام رئوف را داریم و تلاش کردیم جشنواره را به سمت مردمی بودن سوق بدهیم.

به گزارش ایسنا، در مراسم اختتامیه بیست ونهمین جشنواره شعر رضوی در کرمان، ۱۱ اثر به عنوان برگزیده و شایسته تقدیر معرفی شدند.

دوراهی دیدن و ندیدن

نگاهی به چند فیلم با محوریت زندگی شاعران و مرور برخی انتقادها به آن

شهاب حسینی و پارسا پیروزفر در نمایی از فیلم «مست عشق»

محبی

گزارش

دست گذاشتن روی زندگی شاعران همیشه یکی از موضوع های موردعلاقه فیلم سازان و کارگردانان بوده است و طی سال ها، شاعران زیادی بوده اند که روایتی از احوال آن ها، یا در قاب تلویزیون یا بر پرده سینما نقش بسته است. تازه ترین نمونه آن «مست عشق» است که برشی از زندگی شمس و مولاناست. ما نیز به همین مناسبت تصمیم گرفتیم مروری داشته باشیم بر فیلم هایی که موضوع اصلی آن شاعران هستند و دنیای شاعرانه شان.

مست عشق
روایت همیشه جذاب شمس و مولانا

مست عشق از آن دست فیلم هایی با درونمایه ادبی است که هم به دلیل دست گذاشتن روی یکی از جذاب ترین روایت های ادبی ما سروصدا کرد و هم به این دلیل که دو نقش اصلی آن، یعنی شمس تبریزی و مولانای بلخی، با وجود مشترک بودن پروژه بین ایران و همتایان ترک، به دو بازیگر معروف ایرانی یعنی شهاب حسینی (در نقش شمس) و پارسا پیروزفر (در نقش مولانا) رسید. اکران این فیلم بعد از حاشیه های فراوان در زمان تولید، مخاطبان زیادی را به سینما کشاند تا تماشای آنچه بین شمس و مولانا گذشته را بر پرده نقره ای ببینند. نکته ای که مهر تأییدی بود بر این حقیقت که مضامین ادبیات ما، همچنان برای مخاطب جذاب است و افراد فقط برای تماشای فیلم های کمدی پا به سینما نمی گذارند. جالب است بدانید که فروش مست عشق در روزهای آغاز اکران، صدرنشینی کمدی هایی چون تمساح خونی را شکست و با افتتاحیه ۱۵ میلیاردی اش در سه روز نخست، دو برابر فیلم جواد عزتی فروخت.

حرف های خوب و بد البته درباره این فیلم زیاد بود. عده ای بر این باور هستند که نتیجه فیلمی پرسروصدا به شدت ضعیف است و حتی ادای دین نصفه ونیمه ای هم به این روایت ارجمند ادبی با دو شخصیت شاخص دنیای ادبیات نیست. عده ای هم معتقدند فیلم را باید با همه کم وکسری هایش به تماشا نشست. به هر حال به نظر می رسد نقش بستن عبارت «برداشت آزاد» در آغاز فیلم، بیشتر مجوزی است برای نمایش آنچه در ذهن کارگردان بوده تا آنچه واقعا با همه شک و شبهه ها وجود دارد. اظهارنظرهای زیادی نیز درباره مست عشق شکل گرفت. شاهنامه پژوه، میرجلال الدین کزازی، یکی از افرادی بود که بعد از تماشای مست عشق از این گفت که از تماشای آن احساس شادمانی و خشنود بودن به او دست داده است. او درباره گفت وگوهای بین شمس و مولانا که از دید برخی، شاید برای مخاطب عام دیرياب تر باشد، و اینکه آیا فیلم توانسته شمایی از مولانا و شمس را به مخاطب عام تر معرفی کند، گفت: «بیشینه این گفت وگوها چون از آبشخورها ستانده شده بود، از ویژگی های بسیار پسندیده فیلم شمرده می شود اما زبان فیلم، شاید ناچار بوده اند من داوری نمی کنم، با زبان روزگار مولانا همیشه سازگار نبود، شاید می خواسته اند که بیننده امروزین بتواند پیوند بیشتری با فیلم بیابد. بیننده ای که با ادب پارسی و زبان مولانا به بسندگی آشنا نیست.»

رؤیای سهراب
نقاشی که شعر هم می‌گفت

فیلمی که پیش از مست عشق با محوریت یکی از شخصیت های معروف جهان شعر و ادبیات اکران شد، «رؤیای سهراب» بود. فیلمی به کارگردانی علی قوی تن که خود به دلیل شباهت ظاهری به سهراب نقش این شاعر را بازی کرد. رؤیای سهراب البته در اکران و فروش اصلا توفیق فیلمی چون مست عشق را به دست نیاورد. با این حال، از جهاتی نیز می تواند تشابهاتی با آن داشته باشد؛ چنان که به نظر می رسد در هردوی آن ها (و شاید دیگر فیلم های مبتنی بر زندگی یک شاعر (یا حتی آدم) معروف) سازنده تلاشی برای گفتن حرف تازه ای نکرده است و همه چیز در سطحی ترین شکل خود قرار دارد. این فیلم بیشتر از توضیح و تفصیل و تمرکز روی قصه و دیالوگ ها، تصمیم دارد با تصاویر و قاب های خود احوال سهراب را مثل یکی از نقاشی های خودش، فریم به فریم به مخاطب نشان بدهد. قاب ها و تصاویری چون نقاشی ها، شمایل او، بوم های نقاشی اش و طبیعتی که برای سرودن و نقش زدن به آن پناه می برد. شاید با بیانی دیگر، باید گفت رؤیای سهراب فیلمی است که بیشتر روی درونیات سهراب دست گذاشته است. قوی تن خود درباره این فیلم می گوید: «فیلم رؤیای سهراب یک بیوگرافی نیست بلکه راوی زوایای پنهان و دیده نشده ای از سهراب سپهری است.» منوچهر دین پرست، منتقد سینما نیز در بخشی از نقدی که بر فیلم رؤیای سهراب نوشته از این می گوید که: «این فیلم یک بیوگرافی صرف نیست، اما به شدت فلسفه وجودی شاعر و نقاش را به تصویر کشیده است. فیلم رؤیای سهراب را می توان از جمله فیلم هایی دانست که کارگردان، نه تنها درباره یک شاعر ساخته، بلکه اتمسفر فیلم نیز در حال وهوای شاعرانه قرار دارد. او با خلق تصاویری که بازگوکننده فضای فکری شاعر نیز هست، سعی کرده میان تصویر و معنا نزد سهراب سپهری ارتباطی وثیق و گسترده برقرار کند تا مخاطب در فضای فکری شاعر نیز قرار بگیرد.» سهراب البته پیش از این نیز سوژه جذابی برای فیلم سازان بوده است. مستندی با نام «هیچستان» به نویسندگی و کارگردانی مصطفی ولی عبدی و مستند «سهراب سپهری» به کارگردانی رقیه توکلی، از دیگر تولیداتی است که درباره این شاعر ساخته شده است.

پروین
شاعر مبارز مهجور

فیلم دیگر این فهرست «پروین» است که البته پیش تر قرار بود نامش «معجزه پروین» باشد. فیلمی که روی یکی از آرام ترین و بی حاشیه ترین شاعران روزگارمان یعنی پروین اعتصامی دست گذاشته است. شاعری که بسیاری از منتقدان ادبی و اهالی شعر و ادبیات، او را با فروغ فرخزاد قیاس می کنند و در این بین آن ها که نیمه خالی لیوان را می بینند، بر این باورند که پروین شاعری زنانه نیست و فروغ برعکس چقدر هست! صحبت هایی که در زمان زیست خود شاعر نیز جریان داشت و به رغم قوت و قدرت فراوان شعرش سبب به انزوا رفتن او را فراهم کرد. و این در صورتی است که بزرگان ادبیات بارها بر این نکته صحه گذاشته اند که شعر پروین شعری است پرقدرت که به مبارزه با استبداد و فساد می رود. محمدرضا شفیعی کدکنی، در «با چراغ و آیینه» درباره پروین اعتصامی می گوید: «با کمترین عمر و کمترین مجال برای شعر گفتن، بیشترین توفیق ممکن را در زبان فارسی، پروین از آن خویش کرده است. از این بابت هیچ کدام از بزرگان قرن حاضر و حتی قرون گذشته بعد از حافظ، به پای او نمی رسند.» پروین از فیلم های اکران شده در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر بود که محمدرضا ورزی کارگردان آن است. سیدمهرزاد موسوی، منتقد سینما، چندی پیش درباره این فیلم گفت: «در حد یک فیلم نرمال است و نه اندکی فراتر از آن. همه چیز در سطح است و می ماند؛ نه بازی ای به یاد می ماند (حتی شاید در سال های آینده گریم باران کوثری در نقش پروین بیشتر به یاد بماند تا مارال بنی آدم)، نه قابی در ذهن حک می شود و نه داستان گفته نشده ای برای اولین بار بیان می شود. ما با فیلمی طرفیم که برشی از زندگی پروین را بیان می کند از پیش از ازدواج تا مرگ؛ پا پیش تر نمی گذارد.»

رگ های آبی
فروغ فرخزاد یا فروغ ددی؟!

فیلم دیگری که ذیل این صحبت ها می توان به آن اشاره کرد، فیلمی است که روی زندگی فروغ فرخزاد دست گذاشته است. فیلمی با عنوان مطرح شده «رگ های آبی» که اگرچه هنوز مجال تولید و اکران را پیدا نکرده است اما همان زمزمه های اولیه ساخت آن، حسابی مطرحش کرد و حاشیه ساز شد؛ و بزرگ ترین این حاشیه ها، انتخاب بازیگر نقش اصلی آن، یعنی باران کوثری بود. انتخابی که خود از دو منظر حاشیه ساز شد. اول به لحاظ تشابه فیزیکی و ظاهری؛ بسیاری از منتقدان بر این باورند که باران کوثری به لحاظ فیزیک و ظاهر شباهتی با فروغ فرخزاد ندارد. حتی برخی دیگر از این گفتند که صدا و لحن بازیگر نیز تناسبی با صدای شاعر ندارد. انتقاد دیگر از این منظر به او وارد شد که انتخاب او برای ایفای نقش فروغ، فقط بر این اساس بوده است که کارگردان فیلم پدرش است. یاسر نوروزی، روزنامه نگار، در زمان اوج گرفتن این صحبت ها متنی را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد با عنوان «فروغ فرخزاد یا فروغ ددی؟!» و در بخشی از آن نوشت: «...شما و امثال شما اگر فکر ادبیات این مملکت بودید، دست چند رمان نویس جوان را با اقتباس از رمان هایشان می گرفتید؛ نه اینکه از اسم فروغ برای خودتان تابلو بسازید و روی تاریخ روشنفکری زنان، اسکی کنید. چون مگر می شود یک نفر هم شبیه پروین اعتصامی باشد و هم شبیه به فروغ فرخزاد؟!» و چنان که در ادامه نوشته اش می گوید مقصودش فیلم «شبکه مخفی زنان» است که کوثری در آن نقش پروین را بازی می کند. به هر حال، این فیلم هنوز ساخته نشده است اما به نظر می رسد در صورت تولید و اکران، چون مست عشق مخاطب زیادی را به سینما بکشاند، حتی صرفا برای تماشای شمایل فروغ در دقایقی کوتاه.

فردوسی
سوژه سال ۱۳۱۳

چهار فیلمی که از آن ها یاد شد، جزو فیلم هایی است که در مدت اخیر به دلیل حاشیه هایی که در زمان تولید یا اکران داشتند، نامشان بیشتر بر زبان ها جاری شد. پیش از این هم اما نمونه های دیگری وجود داشته است که هریک به طریقی رنگ و بویی از شعر و شاعری داشته است. یکی از این اولین نمونه ها فیلمی است که وامدار شاعر دیار خودمان یعنی فردوسی است که دقیقا با همین نام «فردوسی» نیز ساخته شد. فیلمی به کارگردانی عبدالحسین سپنتا، کارگردان اولین فیلم ناطق ایران با نام «دختر لر» و تولید سال ۱۳۱۳. در سریال ها نیز، به نظر می رسد از «شهریار» باید به عنوان یک نمونه معروف یاد کرد. فیلمی که برخی به انتخاب بازیگران نقش اصلی آن، یعنی اردشیر رستمی و سیروس گرجستانی انتقادهایی را وارد کردند. در کنار این نمونه ها، باید از سریال «۴۰ سرباز» نیز یاد کرد که در سال ۸۶ به کارگردانی محمد نوری زاد ساخته شد. سریالی که مبنای آن شاهنامه فردوسی و داستان های شاخص آن بود اما شاید اکنون خیلی در یادها ماندگار نباشد. انتخاب بازیگران و روایت سریال عواملی بود که مورد انتقاد منتقدان قرار گرفته بود. سیدمحمدرضا کردستانی یا همان میرزاده عشقی نیز یکی دیگر از شاعرانی است که تاکنون بارها در فیلم و سریال های تاریخی به او و زندگی او به عنوان یکی از اثرگذارترین و مهم ترین شاعران دوران مشروطه پرداخته شده است، اما هیچ کدام قوت و قوام خوبی برای ماندگاری در ذهن مخاطب پیدا نکرد.

رؤیای سهراب/ علی قوی تن در نقش سهراب سپهری

فردوسی/ عبدالحسین سپنتا در نقش فردوسی

رگ های آبی/ باران کوثری در نقش فروغ فرخزاد

پروین/ مارال بنی آدم در نقش پروین اعتصامی

یک هفته با شاهنامه (۲)

خادم

داد در شاهنامه

برشی از کتاب «سه جستار در شاهنامه فردوسی» نوشته دکتر مظفر احمدی دستگردی

کتاب «سه جستار در شاهنامه فردوسی» همان طور که از نامش بر می آید، سه جستار است در اَبَر روایت شاهنامه فردوسی بزرگ. «داد و خرد»، «داستان فرود سیاوش» و «میانه سالاری و بندگی» سه جستار کتاب را تشکیل می دهند. داد از مفاهیمی است که در اندیشه فردوسی و اثر سترگش جایگاه ویژه ای دارد. داد و راستی و عدالت سبب می شود مردم دور شخصیت یا پادشاهی گرد آیند و تا پای جان پشتیبان او باشند و نبود آن باعث گسستن مردم از پادشاه و عصیان و ایستادن در برابر او می شود. فردوسی در جای جای شاهنامه حاکم و زمامدار جامعه را بیم می دهد که مبادا از راه داد بیرون رود. مظفر احمدی دستگردی نیز در نخستین جستار این کتاب به سراغ این مفهوم رفته و به ردزنی و تحلیل آن در شاهنامه پرداخته است. آنچه در ادامه می آید برشی از جستار «داد و خرد» این کتاب است.

●●●

در شاهنامه فردوسی، «داد» قانون کلی گیتی و دارای گستره ای تام و تمام است. به عبارتی، نظام و آیین فراگیری است که از کلی ترین پدیده های هستی تا جزئی ترین آن ها را شامل می شود و قانون کلی هستی در تمام پدیده ها و روابط بین همه آن هاست. به تعبیر شاهرخ مسکوب «یگانه شدن هستی دوگانه است» و به زبان دیگر «آیینی است بی زوال و پایدار

که دوام و بقای جهان، نظم و صلاح شهر و کشور و شادی و فرخندگی آدمی در هر دو جهان، بسته بدان است. اندیشه راست، گفتار راست، کردار راست، اندیشه و گفتار و کرداری است که با این آیین هماهنگ باشد. کسی که اندیشه و گفتار و کردار خود، یعنی جمیع اعمال حیاتی و فعالیت های روحی و فکری خود را با این نیروی الهی یکی و موافق سازد، با آن پایدار و بی زوال خواهد گشت.» همان طور که اشاره شد، داد در همه پدیده های گیتی، فراگیر و قانونی جاری و ساری است.

[...] اما بنیان و اساس سخن این است که در شاهنامه، هر آنچه مطابق قانون و آیین داد است، پذیرفته است و هر آنچه با نظم فراگیر و گسترده داد هماهنگ نیست و به عبارتی، مخالف این قانونمندی است، غیر قابل پذیرش و محکوم به فناست. [...]

سر تخت شاهان بپیچد سه کار
نخستین ز بیدادگر شهریار
دگر آنکه بی سود را بر کشد
ز مرد هنرمند برتر کشد
سه دیگر که با گنج خویشی کند
بکوشد که در آز، بیشی کند

همان گونه که دیده می شود، این ابیات به چگونگی سقوط حکومت ها و نقش مدیریت ارشد آن ها، یعنی پادشاه اشاره می کند و اولین دلیل آن را رعایت نکردن قانون، رسم و آیین می داند که حلقه مفقوده تمام کشورهای توسعه نیافته است. همچنان که نبود شایسته سالاری و گزینش نکردن افراد صاحب تخصص را دلیل دوم می داند و سومین دلیل را آز و مال اندوزی صاحبان قدرت که آن هم بسیار با چشم و گوش و حافظه ما آشناست. البته فردوسی به تشریح اوضاع و شرایطی که برای کشور و مردم در دوران زمامداری زمامدارِ بیدادگر پیش می آید نیز می پردازد؛ آن هم بسیار عمیق و با نگاهی نافذ و البته مختصر که دنیایی سخن و واقعیت در گزیده گویی او نهفته است.

ز بیدادیِ شهریار جهان
همه نیکوی ها شود در نهان
نزاید بهنگام در دشت گور
شود بچه باز را چشم کور
ببرّد ز پستان نخجیر شیر
شود آب در چشمه خویش قیر
شود در جهان چشمه آب خشک
نگیرد به نافه ندرون بوی مشک
ز کژّی گریزان شود راستی
پدید آید از هر سویی کاستی

آنچه در ادبیات بالا روشن است، همبستگی علل و عوامل رعایت نکردن قانون و نظم و آیین شفاف در به هم ریختگی، نگون بختی و به زبان امروزی، توسعه نیافتگی همه جانبه کشور است و این نگاه نظام مند و منظومه ای فردوسی که گاه نظم کیهانی شرقی را در ذهن خواننده تداعی می کند، به روشنی و صراحتی بی نظیر، کنش سردمداران را در خوشبختی و نگون بختی افراد جامعه نشان می دهد و در ابیات بالا، بی توجهی حاکم به قانون و نظم و اصول در به هم ریختگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و ... را به روشنی نشان می دهد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

ملت ما در طول تاریخ و بارها دوران سختی را پشت سر گذاشته اند.

ویراسته ✓

ملت ما در طول تاریخ و بارها دوران های سختی را پشت سر گذاشته اند.

نکته

واژهٔ «دوران» مفرد است و جمع آن دوران ها می شود. در واقع تلفظ فارسی شدهٔ واژهٔ عربیِ «دَوران» (بروزنِ فَعَلان) است. «دوران» جمع «دوره» نیست؛ جمعِ «دوره» می شود «دوره ها».

#زین_قند_پارسی